



## بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی، مطالعه موردی بخش آسارا،

### استان البرز

مهديه السادات میر ترابی<sup>۱\*</sup>، یوسف حجازی<sup>۲</sup>، سید محمود حسینی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی - دانشگاه تهران، <sup>۲</sup> استاددانشکده اقتصاد و توسعه

کشاورزی - دانشگاه تهران، <sup>۳</sup> دانشیار دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی - دانشگاه تهران

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی بخش آسارا در استان البرز است. روش تحقیق پیمایشی و از نوع توصیفی-همبستگی می باشد. جامعه آماری مورد نظر شامل زنان روستایی ۱۵ سال به بالا بخش آسارا استان البرز (N=۲۸۱۰) می باشد. نمونه آماری شامل ۱۲۰ نفر بوده است که به روش نمونه گیری تصادفی با انتساب متناسب انتخاب شدند. روایی محتوایی پرسشنامه مورد استفاده جهت گردآوری داده ها با کسب نظر از پانل متخصصان، مورد بررسی و اصلاحات لازم صورت گرفت. جهت تعیین پایایی بخش مشارکت اجتماعی زنان روستایی از ضریب اعتبار کرونباخ آلفا استفاده گردید که مقدار آن ۰/۸۶ بدست آمد. مشارکت اجتماعی زنان روستایی در بعد رسمی و غیررسمی سنجیده شد و نتایج نشان داد که در کل مشارکت اجتماعی ۵۷ درصد از زنان روستایی در سطح متوسط و پایین قرار داشته است. با توجه به نتایج بین سن، میزان تحصیلات زنان روستایی، میزان تحصیلات سرپرست خانوار، سابقه کشاورزی، استفاده از منابع اطلاعاتی و کانال های ارتباطی و مشارکت در فعالیتهای کشاورزی و مشارکت اجتماعی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی داری دیده شد و نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون به روش گام به گام نیز مشخص نمود که متغیرهای میزان تحصیلات زن روستایی، میزان تحصیلات سرپرست خانوار و میزان استفاده از منابع اطلاعاتی و کانال های ارتباطی توانائی تبیین ۴۲ درصد از مشارکت اجتماعی زنان روستایی را دارا می باشند.

واژه های کلیدی: مشارکت اجتماعی، زنان روستایی، استان البرز

### مقدمه

امروزه، مشارکت به عنوان شاخصی مهم در ادبیات توسعه پایدار محسوب می شود و برای رسیدن به اهداف توسعه، مشارکت همه اقشار و گروه ها را از جمله زنان را می طلبد (موحد، لشگرآرا و کرکه آبادی، ۱۳۸۵). هرگونه تواناسازی نیروی کار زنان روستایی نیازمند توجه همزمان به دو مقوله اساسی ایجاد تحول در نگرش اجتماعی نسبت به زنان و ایجاد فرصت های جدید مشارکت در زمینه های گوناگون توسعه است. در فرایند تواناسازی زنان روستایی، نباید به آن ها صرفاً به عنوان نیروی کار اقتصادی نگریسته شود بلکه باید ارتقای همه قابلیت های آن ها مورد توجه قرار گیرد. اساسی ترین مشکل در نحوه و میزان مشارکت زنان در فعالیتهای روستایی، این است که مشارکت زنان بیش از مردان تحت تأثیر شرایط و عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیکی قرار می گیرد. بنابراین قبل از آن که برنامه های توانمندسازی زنان طراحی و به اجرا درآیند باید مشارکت گروه های مختلف زنان در زمینه های گوناگون از زوایای مختلف بررسی شود. در کشور ما به دلیل تنوع وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی روستاها از یک سو و الگوی مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف از سوی دیگر، شرایط ایجاد می کند مطالعاتی از این نوع در سطح محلی و منطقه ای صورت گیرد. به این ترتیب شناخت استعداد های زنان و تعیین جایگاه آنان در فرایند توسعه اولین گام در جهت مشارکت



هرچه بیشتر آنان خواهد بود. در تحقیق حاضر مشارکت اجتماعی زنان روستایی مورد بررسی قرار گرفته تا از این طریق و با آگاهی بهتری بتوانیم برای ارتقای توانمندسازی زنان و توسعه روستایی، برنامه‌ریزی کنیم.

مشارکت نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت دستیابی به اهداف معین و از پیش تعیین شده است، فرایندی که افراد جامعه به صورت جمعی، آگاهانه، داوطلبانه و با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن آن‌ها در منافع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند و نمود عینی آن را در نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، سازمان‌های غیردولتی و نظایر آن می‌توان دید (غفاری، ۱۳۸۳). با توجه به این که مشارکت اجتماعی موجب ارتقا آگاهی جامعه می‌شود و در جهت عدالت اجتماعی و حقوق اجتماعی نقش مهمی دارد، می‌تواند در ارتقا وضعیت اجتماعی زنان اهمیت بسزایی داشته باشد، همچنین دخالت زنان در جامعه می‌تواند باعث تصحیح نگرش‌های غلط حاکم بر جامعه و باعث ارتقا منزلت اجتماعی زن و افزایش میزان خودباوری و خودآگاهی زنان و دختران روستایی گردد.

بازنگری مطالعات انجام یافته پیرامون مشارکت زنان روستایی در ایران و سایر کشورها نشان می‌دهد عوامل متعددی بر روی کارکرد مشارکت زنان روستایی اثرگذار می‌باشد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

زارع و میرباقری (۱۳۹۱) به بررسی عوامل فردی-اجتماعی موثر بر گرایش به مشارکت زنان روستایی در صندوق اعتبارات خرد استان مازندران پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داده‌اند که متغیرهای ویژگی‌های زنان روستایی، عوامل فرافردی، میزان هزینه-فایده ناشی از مشارکت در صندوق و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی با گرایش مشارکت زنان روستایی در صندوق اعتبارات خرد رابطه معنی‌دار داشته‌اند.

صفری شالی (۱۳۸۷) به بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در مسائل و امور خانوادگی و فراخانوادگی (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) می‌باشد که اکثریت زنان روستایی میزان مشارکت متوسط برخوردار بوده و پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان از جمله متغیرهای کلیدی است که می‌تواند بر میزان مشارکت تاثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. وثوقی و یوسفی آقابین (۱۳۸۴) به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی در فرایند توسعه پرداخته‌اند. نتایج نشان داده‌اند میانگین مشارکت اجتماعی زنان روستایی در سطح پایینی قرار داشته و بین مشارکت اجتماعی زنان روستایی با متغیرهای نگرش زنان نسبت به خود، سن، تحصیلات، میزان دسترسی آن‌ها به مراکز شهری و همچنین وسایل ارتباط جمعی تایید شده است.

حمزه‌لو و امینی (۱۳۸۱) در شهرستان خمین پژوهشی تحت عنوان بررسی تطبیقی حدود اختیار و قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی انجام داده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که زنان روستایی مورد مطالعه از انگیزه‌ای بسیار بالا برای حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری برخوردارند. کاهش ازدواج زودرس و بالا رفتن نسبی سن ازدواج، افزایش ارتباط مناطق روستایی با شهر، دسترسی بیشتر زنان روستایی به رسانه‌های عمومی و آموزش غیررسمی و امکان اشتغال به کار دستمزدی در خارج از خانه از جمله مهم‌ترین دلایل این امر محسوب می‌شود. فرهنگ سنتی، فقدان دسترسی زنان روستایی به عوامل تولید، فقدان آگاهی و اشراف آن‌ها به حقوق اساسی و توانایی خود، از موانع حضور جدی‌تر زنان روستایی در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی است که دلایل مذکور باعث شده‌اند در اکثر موارد زنان روستایی چندان در تصمیم‌گیری‌های مهم اقتصادی و اجتماعی خانواده تأثیرگذار نباشد.

شادی طلب و کمالی (۱۳۸۱) با تایید پایین بودن میزان مشارکت زنان مشخص کرده است که در مورد مشارکت جویی موفق، جنسیت به عنوان متغیری موثر به حساب می‌آید.

موحدی (۱۳۷۸) در ارتباط با عوامل موثر بر مشارکت مردم، مهم‌ترین ویژگی که باعث می‌شود مردم با همدیگر و در کنار هم فعالیت نمایند را، داشتن منافع و علایق مشترک می‌داند و معتقد است که علاقه مشترک عاملی است که مردم را به رغم تفاوت در زمینه‌های جغرافیایی، سلامت، قدرت در چارچوب سازمانی، همبستگی اجتماعی، نژاد، درآمد و جنسیت به هم پیوند می‌دهد.

آزادی و کرمی (۱۳۷۶) پژوهشی فراتحلیلی در زمینه زنان روستایی، توسعه و تکنولوژی نوین انجام داده‌اند. نتایج پژوهش آنان



نشان می‌دهد به‌کارگیری دانش بومی زنان روستایی با میزان مشارکت رابطه مثبت دارد. به‌کارگیری مروج زن موجب افزایش مشارکت زنان روستایی می‌شود. میزان آگاهی زنان روستایی با میزان مشارکت زنان رابطه مثبت دارد. سیاست‌گذاری‌های مناسب زنان روستایی، توجه به نقش زنان در توسعه پایدار، نیاز مالی سازماندهی زنان موجب افزایش مشارکت زنان می‌شود و موانع فرهنگی و سنتی موجب کاهش مشارکت زنان روستایی می‌شود.

عفتی و کپوریان (۱۳۷۶) در بررسی میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی روستاهای استان مازندران به این نتیجه رسیدند که میزان مشارکت اجتماعی زنان در روستا (حدود ۵۰/۶ درصد)، در سطحی میانه قرار دارند و بیشترین فعالیت زنان روستایی بعد از خانه‌داری، فعالیت در زمینه‌های کشاورزی، صنایع دستی، و قالی‌بافی بوده است. در این پژوهش میان پایگاه اجتماعی زن، میزان آگاهی اجتماعی، و میزان مشارکت وی در فعالیت‌های اجتماعی، و نیز میان میزان سهم زن در تولید محصولات کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و میزان مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری تولید، همبستگی و رابطه معنی‌دار وجود دارد. غلامرضایی (۱۳۷۴) عوامل موثر بر میزان آگاهی زنان روستایی پیرامون مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی در شهرستان خرم آباد را بررسی کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میزان سواد زنان و همسران آن‌ها، وضعیت آموزشی روستا، تعداد معلم و بهداشت‌یاری ساکن روستا که با زنان ارتباط دارند، سطح سواد با سوادترین فرد خانواده، تعداد فامیل شهری مورد تماس با زنان روستایی و میزان مطالعه و مسافرت زنان روستایی با آگاهی آن‌ها پیرامون مشارکت افراد جامعه روستایی در فرایند تصمیم‌گیری محلی، همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. میزان فاصله روستاها تا جاده اصلی، میزان سن زنان، بعد خانواده و تعداد فرزند سفر کننده زنان روستایی با آگاهی زنان دارای همبستگی منفی و معنی‌داری می‌باشد. همچنین مشاهده شد که زنان روستایی جوان‌تر و دارای وضعیت اقتصادی خانوار پایین‌تر و همچنین بالاتر از آگاهی معنی‌دار بیشتری نسبت به دیگر گروه‌ها برخوردار بودند. وضعیت آموزشی روستا، تعداد معلم و بهداشت‌یاری شهری ساکن روستا مرتبط با زنان روستایی و میزان مطالعه زنان روستایی و میزان سواد زنان و همسران آن‌ها با میزان آگاهی زنان پیرامون مشارکت خویش در فرایند تصمیم‌گیری محلی همبستگی مثبت و معنی‌داری دارند.

سبکتکین ریزی (۱۳۷۳) در تبیین رابطه میزان تحصیلات زنان روستایی با میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها، در منطقه‌ی لواسانات، به این نتیجه رسیده است که بین سطح سواد زنان و میزان مشارکت آنان در عرصه‌های گوناگون جامعه رابطه وجود دارد و هرچه سطوح سواد بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی هم بیشتر است.

کلانتری (۱۳۷۲) در روستاهای استان یزد به بررسی عوامل موثر بر مشارکت روستاییان با تاکید بر شوراهای اسلامی روستایی به عنوان نهاد مشارکتی پرداخته و نتایج ذیل را بدست آورده است: وجود رابطه بین مشارکت با پایگاه اجتماعی، تعامل اجتماعی، سن، آگاهی و امکانات اجتماعی اقتصادی روستا به صورت مستقیم و رابطه بین مشارکت با اختلاف محلی و وابستگی به دولت به صورت منفی است.

رحمان<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه خود بیان می‌کند با این‌که زنان در تولید و فرآوری غذا شرکت معنی‌داری دارند اما تصمیم‌گیری در مورد مزارع و کنترل بر منابع تولیدی بیشتر بر عهده مردان است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کشاورزی کم و حدود ۴۱/۵۳٪ است همچنین زنان نمی‌توانند به طور کافی به منابع تولید دسترسی پیدا کنند به طوری که نتایج نشان می‌دهد فقط ۱۱/۲۵٪ زنان به منابع تولیدی دسترسی دارند. رضایت زنان در مورد امور کشاورزی پایین است و این رضایت رابطه مثبت معنی‌داری با اندازه مزرعه خانواده و سهم زنان در درآمد مزرعه دارد.

ادریسا و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) عوامل اقتصادی-اجتماعی موثر بر مشارکت زنان در تعاونی‌های کشاورزی در نیجریه را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که عضویت در تعاونی‌های اجتماعی به ترتیب به علت صرفه جویی و بدست آوردن اعتبار، فرآوری و بازاریابی تعاونی‌ها است. سودهای اصلی که توسط اعضا گرفته می‌شود شامل دسترسی به وام، تخصیص نهاده و بازاریابی

<sup>۱</sup>.Rahman

<sup>۲</sup>. Idrisa& et al.



تولیدات است. اعتقادات فرهنگی و سطح پایین تحصیلات به عنوان مشکلات اصلی در مقابل مشارکت زنان در تعاونی‌ها قرار دارد. سن، تحصیلات و شغل اولیه و میزان مشارکت زنان در تعاونی‌ها تفاوت معنی‌داری مشاهده شده است. تحلیل همبستگی ارتباط مثبت و معنی‌داری را بین متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و مشارکت در سود تعاونی‌ها را نشان می‌دهد. مطالعه پتانسیلی بالا را برای افزایش رشد اقتصادی در تعاونی‌ها با وجود مشکلات موجود نشان می‌دهد. در نتیجه زنان با دسترسی بیشتر به تحصیلات می‌توانند در مقابله با موانع موجود در مشارکت تأثیرگذارتر باشند.

شمس‌الدین و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) نقش زنان روستایی در ارتقا صنایع کوچک کشاورزی ژاپن را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان داده است که بین سطح مشارکت اقتصادی اجتماعی زنان با سن، اندازه مزرعه و درآمد خانوار رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشته است.

کار و پونیا<sup>۴</sup> (۱۹۸۸) به بررسی مشارکت زنان در فعالیت‌های خانه و مزرعه پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده است که سطح توسعه روستا، طبقه اجتماعی، درآمد سرانه، وضع اقتصادی و سطح تکنولوژی خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری با زمان کار زنان در خانواده داشته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین تعداد زنان روستایی درگیر در امور کشاورزی با سن آن‌ها و وسعت زمین رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. حدود ۶۰٪ از پاسخگویان درگیر فعالیت‌های مربوط به کشاورزی بودند.

اینگل هارت افزایش مشارکت در مغرب زمین را با سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، دسترسی به رسانه‌ها و تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان، و تغییر در اولویت‌های ارزشی مردم (از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرا مادی) همبسته می‌داند (قانونی راد و حسینی، ۱۳۸۴). او همچنین به رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت توجه کرده و معتقد است که اعتماد به یکدیگر، از عوامل موثر بر میزان مشارکت محسوب می‌شود (مقدس جعفری و باقرزاده، ۱۳۸۱).

با توجه به بررسی مطالعات پیشین هدف اصلی از تحقیق حاضر بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی می‌باشد و اهداف ویژه‌ای این تحقیق عبارتند از: توصیف ویژگی‌های فردی، اقتصادی و ارتباطی زنان روستایی مورد مطالعه؛ تعیین میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها؛ و تعیین رابطه بین ویژگی‌های فردی، اقتصادی و ارتباطی با میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی.

## روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق عبارت است از کلیه زنان روستایی ۱۵ سال به بالا و ساکن دائم در بخش آسارا استان البرز که شامل ۲۸۱۰ نفر می‌باشد. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۲۰ نفر بوده است که با استفاده از فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب بر مبنای سهم هر دهستان از کل انتخاب گردیده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه‌ای محقق ساخته می‌باشد که با بررسی منابع مختلف تدوین گردیده است. متغیرهای مستقل تحقیق شامل ویژگی‌های فردی و خانوادگی، اقتصادی، ارتباطی و متغیر وابسته، مشارکت اجتماعی زنان روستایی بوده است. مشارکت اجتماعی ایجاد فرصت‌هایی برای قادر ساختن همه‌ی اعضای جامعه برای همکاری فعالانه، نفوذ بر فرایند توسعه، و سهیم شدن در منافع حاصل از توسعه تعریف می‌شود (Midgely, Hall, Hardiman, Narine, 1989). هلی<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) نیز مشارکت اجتماعی را به صورت مشارکت افراد در فعالیت گروه‌های خارج از خانواده، عرصه سیاسی و محیط کار تعریف می‌کند. با توجه به تعریف هلی (۱۹۹۷) می‌توان گفت مشارکت اجتماعی عبارت است از هر گونه کنش متقابل داوطلبانه، آگاهانه و جمعی افراد و گروه‌ها در فعالیت‌های خارج از خانواده و همه‌ی گروه‌های فعال ناوابسته به سازمان‌های سیاسی، گروه‌های فشار، و اتحادیه‌های کارگری، که به صورت مشارکت رسمی و غیررسمی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این تحقیق مشارکت اجتماعی در دو بعد رسمی و غیررسمی مورد بررسی قرار گرفت و مجموع دو بعد مشارکت به عنوان مشارکت اجتماعی در نظر گرفته شد. تمایز

3. Shames-El-Din et al

4. Kaur & Punia

5. Helly



مشارکت رسمی از غیررسمی مشخص بودن هویت افراد از طریق ثبت نام یا اطلاعات ثانویه و در برخی از اشکال پرداخت حق عضویت، شرکت در جلسات دوره‌ای و مانند این‌هاست. برای سنجش مشارکت رسمی از عضویت و مشارکت در مجامع رسمی استفاده گردید. برای نشان دادن عضویت زنان روستایی در مجامع مشارکتی عضویت در پنج تشکل مانند عضویت در تعاونی روستایی، تشکل‌های خاص زنان و غیره به صورت پاسخ دو گزینه‌ای بله و خیر پرسیده شده است و از مجموع تعداد تشکل‌های که زنان روستایی در آن‌ها عضویت داشته‌اند میزان عضویت در مجامع مشارکتی مشخص شده است که نمره آن بین صفر تا پنج می‌باشد، همچنین در مقابل از زنان روستایی خواسته شده بود به میزان مشارکت خود در هر یک از تشکل‌های تحت عضویت در مقیاس پنج طیفی لیکرت پاسخ دهند و در انتها از مجموع پاسخ‌های داده شده میزان مشارکت زنان روستایی در بعد رسمی در مقیاس فاصله‌ای مشخص گردید. برای سنجش مشارکت زنان روستایی در بعد غیررسمی نه گویند در مقیاس طیف لیکرت از زنان روستایی پرسیده شد و در انتها از مجموع پاسخ‌های داده شده میزان مشارکت اجتماعی در بعد غیررسمی در مقیاس فاصله‌ای مشخص گردید و به منظور بررسی متغیر وابسته - میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی- از روش Interval of Standard Deviation from the Mean (ISDM) استفاده شده است. این گروه‌بندی بر اساس میانگین و انحراف معیار با استفاده از فرمول زیر بدست آمده است.

$$A < \text{Mean} - \text{Sd} \quad \text{پایین} = A$$

$$\text{Mean} - \text{Sd} < B < \text{Mean} \quad \text{متوسط} = B$$

$$\text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{S} \quad \text{بالا} = C$$

$$\text{Mean} + \text{Sd} < D \quad \text{خیلی بالا} = D$$

به منظور تعیین روایی پرسشنامه از پانل متخصصان استفاده شد. جهت تعیین اعتبار پرسشنامه از ضریب کرونباخ آلفا استفاده گردید، که میزان آن برای میزان مشارکت اجتماعی (۰/۸۶) مشخص گردید.

## نتایج

یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین سنی زنان روستایی مورد مطالعه بخش آسارا برابر ۴۵ سال می‌باشد. از مجموع ۱۲۰ نفر ۶۳/۳ درصد متأهل و ۳۱/۷ درصد بقیه مجرد هستند. میانگین اعضای خانوار ۴ نفر می‌باشد. ۸۴ نفر دارای تحصیلات پایین‌تر از مقطع راهنمایی و ۳۶ نفر دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر می‌باشند و بررسی میزان تحصیلات سرپرست خانوار نشان داد که ۳۰ نفر از سرپرستان خانوار بی‌سواد، ۳۸ نفر دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۳ نفر راهنمایی، ۱۶ نفر در سطح متوسطه و ۱۳ نفر دارای تحصیلات بالاتر می‌باشند. اکثریت پاسخگویان (۸۰/۸ درصد) دارای زمین شخصی و میانگین وسعت زمین آن‌ها ۱۰۳۵/۸۳ متر مربع و میانگین درآمد سالانه آن‌ها از فروش محصولات کشاورزی ۱۳ میلیون ریال می‌باشد. درباره میزان استفاده از منابع اطلاعاتی و کانال‌های ارتباطی توسط زنان روستایی تماشای تلویزیون در اولین اولویت زنان روستایی، و خویشاوندان و دوستان در اولویت دوم قرار گرفته‌اند و استفاده از تعاونی تولید جهت کسب اطلاعات در آخرین اولویت بیان شده است. طبق جدول شماره (۱)، میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (داشت، کاشت، برداشت و پس از برداشت) با استفاده از روش ISDM به چهار سطح تبدیل شد. سطح مشارکت ۲۲ نفر از زنان روستایی مورد مطالعه خیلی بالا بود و میانگین میزان مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی ۵۱/۱۳ بدست آمد.

جدول ۱ تعیین میزان مشارکت زنان روستایی مورد مطالعه در فعالیت‌های کشاورزی

میزان مشارکت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
پایین (۰ - ۳۲/۹۳)	۱۸	۱۵/۰	۱۵/۰
متوسط (۳۲/۹۴ - ۵۱/۱۳)	۳۸	۳۱/۶	۴۶/۶
بالا (۵۱/۱۴ - ۶۹/۳۲)	۴۲	۳۵/۰	۸۱/۶



۱۰۰	۱۸/۴	۲۲	خیلی بالا (۱۰۰ - ۶۹/۳۳)
	۱۰۰	۱۲۰	جمع

در زمینه مشارکت اجتماعی در بعد رسمی، داده‌های جدول (۲) نشان می‌دهد که اکثریت افراد مورد مطالعه (۵۶ نفر) در یک مجمع از مجامع مشارکتی همچون تعاونی روستا، تشکل خاص زنان، صندوق اعتبارات خرد، پایگاه بسیج و انجمن اولیا و مربیان عضویت داشته‌اند.

جدول ۲ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب عضویت در مجامع مشارکتی

عضویت در مجامع	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
۱	۵۶	۴۶/۷	۴۶/۷
۲	۳۲	۲۶/۷	۷۳/۴
۳	۱۹	۱۵/۸	۸۹/۲
۴	۱۰	۸/۳	۹۷/۵
۵	۳	۲/۵	۱۰۰
جمع	۱۲۰	۱۰۰	

با توجه به نتایج جدول (۳)، مشخص گردید مشارکت پاسخگویان در پایگاه بسیج، تعاونی تولید، انجمن اولیا و مربیان، صندوق اعتبارات خرد و تشکل‌های خاص زنان به ترتیب در اولویت‌های اول تا پنجم قرار گرفته‌اند.

جدول ۳ اولویت بندی شاخص‌های تبیین کننده میزان مشارکت پاسخگویان در مجامع مشارکتی

گویه	میانگین	اولویت	گویه	میانگین	اولویت
پایگاه بسیج	۲/۴۳	۱	صندوق اعتبارات خرد	۱/۸۱	۴
تعاونی تولید	۲/۰۴	۲	تشکل‌های خاص زنان	۱/۶۷	۵
انجمن اولیا و مربیان	۱/۸۸	۳			

به منظور سنجش مشارکت اجتماعی غیررسمی ۹ سؤال زیر در طیف لیکرت مورد پرسش قرار گرفت. با نگاه به جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود که از بین گویه‌های اشاره شده مربوط به مشارکت اجتماعی غیررسمی، شرکت در تصمیم‌گیری‌های امور منزل از اولویت بالاتری در بین زنان روستایی برخوردار بوده است.

جدول ۴ مشخصه‌های آماری میزان مشارکت اجتماعی در بعد غیررسمی

گویه	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		میانگین
	خیلی کم	کم	کم	متوسط	متوسط	زیاد	زیاد	خیلی زیاد	خیلی زیاد		
شرکت در تصمیم‌گیری‌های امور منزل	۳	۲/۵	۱۷	۱۴/۲	۳۲	۲۶/۷	۳۳	۲۷/۵	۳۵	۲۹/۱	۳/۶۶
شرکت در تصمیم‌گیری مربوط به تحصیل و ازدواج فرزندان	۴	۳/۳	۱۱	۹/۱	۳۵	۲۹/۱	۴۹	۴۰/۹	۲۱	۱۷/۶	۳/۶۰
مشورت با دیگران در حل مشکلات کشاورزی	۵	۴/۲	۱۰	۸/۳	۳۸	۳۱/۷	۴۳	۳۵/۸	۲۴	۲۰	۳/۵۹
مشورت با دیگران در حل مشکلات فرهنگی و اجتماعی	۲	۱/۷	۱۵	۱۲/۵	۴۴	۳۶/۷	۳۳	۲۷/۵	۲۶	۲۱/۷	۳/۵۵
ترغیب دیگران برای شرکت در مسایل عام‌المنفعه	۱۴	۱۱/۷	۱۳	۱۰/۸	۲۹	۲۴/۲	۴۷	۳۹/۲	۱۷	۱۴/۲	۳/۳۳
شرکت در مسایل عام‌المنفعه	۱۲	۱۰	۱۳	۱۰/۸	۴۰	۳۳/۳	۴۱	۳۴/۲	۱۴	۱۱/۷	۳/۲۷
ترغیب دیگران برای شرکت در کلاس‌های آموزشی جهاد	۱۲	۱۰	۳۲	۲۶/۷	۳۱	۲۵/۸	۱۸	۱۵	۲۷	۲۲/۵	۳/۱۳
شرکت در حل اختلافات محلی	۳۷	۳۰/۸	۱۸	۱۵	۴۷	۳۹/۲	۱۴	۱۱/۷	۴	۳/۳	۲/۴۲



مقیاس: طیف لیکرت: خیلی کم ۱، کم ۲، متوسط ۳، زیاد ۴، خیلی زیاد ۵

مشارکت اجتماعی در این تحقیق از مجموع مشارکت اجتماعی در بعد رسمی و غیررسمی بدست آمده و طبق استفاده از روش ISDM به چهار سطح تبدیل شده است. نتایج جدول (۵)، نشان می دهد که اکثر پاسخگویان مشارکت رسمی خود در مجامع مشارکتی را پایین و متوسط ارزیابی کرده اند. در مورد مشارکت اجتماعی غیررسمی زنان روستایی، سطح مشارکت اکثر پاسخگویان متوسط و بالا بوده است. در زمینه میزان کل مشارکت اجتماعی با توجه به جدول (۵)، اکثر پاسخگویان مشارکت اجتماعی پایین و متوسط داشته اند، همانند نتایج پژوهش های مشابه (شادی طلب و کمالی، ۱۳۸۱ و عفتی و کپوریان، ۱۳۷۶).

جدول ۵ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت اجتماعی

میزان مشارکت	مشارکت اجتماعی رسمی		مشارکت اجتماعی غیررسمی		مشارکت اجتماعی کل	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
پایین	۳۶/۶	۲۰	۱۶/۷	۳۲	۲۶/۷	۲۶/۷
متوسط	۳۲/۵	۳۵	۴۵/۸	۳۷	۳۰/۸	۵۷/۵
بالا	۱۵/۱	۴۶	۸۴/۲	۳۲	۲۶/۷	۸۴/۲
خیلی بالا	۱۵/۸	۱۹	۱۰۰	۱۹	۱۵/۸	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰	۱۲۰

به منظور تعیین رابطه بین متغیرهای مورد بررسی با میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۶، نشان داده شده است. بین میزان مشارکت در فعالیتهای کشاورزی و میزان مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۵ درصد وجود دارد. بین متغیرهای سن، میزان تحصیلات زن روستایی، میزان تحصیلات سرپرست خانوار، سابقه کشاورزی، استفاده از منابع اطلاعاتی و کانال های ارتباطی و میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۱ درصد وجود دارد. همبستگی بین میزان تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی با مطالعات سایر محققین (غلامرضایی، ۱۳۷۴؛ سبتکین ریزی، ۱۳۷۳؛ Idrisa et al. 2007، Berton و 1997) هم خوانی دارد. همچنین ارتباط معنی دار میزان مشارکت با میزان استفاده از منابع و کانال های ارتباطی با مطالعات حمزه لو و امینی، ۱۳۸۱؛ آزادی و کریمی، ۱۳۷۶ و غلامرضایی، ۱۳۷۴ هم خوانی دارد.

جدول ۶ رابطه بین متغیرهای مورد بررسی با میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی

متغیر	مقدار r	سطح معنی داری	متغیر	مقدار r	سطح معنی داری
سن	۰/۴۱۵**	۰/۰۰۰	وسعت زمین	۰/۱۱۱	۰/۲۲۷
مشارکت در فعالیتهای کشاورزی	۰/۱۷۴*	۰/۰۴۸	میزان تولید	۰/۱۶۴	۰/۰۷۳
میزان تحصیلات زن روستایی	۰/۲۰۸**	۰/۰۰۳	درآمد	۰/۰۳۴	۰/۷۱۰
میزان تحصیلات سرپرست خانوار	۰/۲۳۴**	۰/۰۰۴	سابقه کشاورزی	۰/۲۶۸**	۰/۰۰۳
استفاده از منابع اطلاعاتی و کانال های ارتباطی	۰/۳۳۳**	۰/۰۰۰	تعداد خانوار	-۰/۰۰۵	۰/۹۵۹

\* معنی داری در سطح ۵ درصد \*\* معنی داری در سطح ۱ درصد

نتایج آزمون t نشان می دهد که بین مشارکت اجتماعی زنان روستایی با وضعیت تأهل، تفاوت معنی داری در سطح یک درصد وجود دارد و مشارکت اجتماعی زنان متأهل بیشتر از هم تایان مجردشان می باشد (جدول ۷).

جدول ۷ مقایسه میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی از نظر وضعیت تأهل

متغیر گروه بندی	میانگین	مقدار t	سطح معنی داری
-----------------	---------	---------	---------------



وضعیت تأهل	مجرد	۴۴/۴۱	۰/۰۰۱
	متأهل	۵۵/۰۳	-۳/۱۹۸**

\*\* معنی داری در سطح ۱ درصد

در این تحقیق به منظور تعیین میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی، از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده گردید. از مجموع متغیرهایی که همبستگی معنی داری با متغیر مشارکت اجتماعی داشتند به ترتیب متغیرهای میزان تحصیلات زن روستایی، میزان تحصیلات سرپرست خانوار و میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی و منابع اطلاعاتی در سه گام وارد معادله رگرسیونی شدند. از نتایج این آزمون مشخص شد که این سه متغیر توانایی تبیین ۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را دارا می‌باشند (جدول ۸).

جدول ۸ ضرایب رگرسیون چند متغیره (گام به گام) با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی زنان روستایی

متغیر	$R^2$	$R^2_{adj}$	F	B	Beta	t
ضریب ثابت: $b_0$				۲/۳۸۱		۴/۷۳۲
میزان تحصیلات زن روستایی ( $X_1$ )	۰/۲۸۲	-۰/۲۲۷	۳۶/۶۴۱**	۳/۵۷۳	۳/۴۵۲	۷/۱۹۲**
میزان تحصیلات سرپرست خانوار ( $X_2$ )	۰/۳۶۷	۰/۳۵۲		۱/۲۹۵	۱/۱۶۲	۸/۴۰۸**
میزان استفاده از منابع اطلاعاتی و کانال‌های ارتباطی ( $X_3$ )	۰/۴۲۰	۰/۴۰۸		۰/۸۷۹	۰/۷۵۶	۳/۷۵۹**

## بحث

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که میانگین مشارکت اجتماعی زنان، به خصوص مشارکت رسمی آن‌ها به طور کلی متوسط رو به پایین است زیرا هنوز جذب زنان در گروه‌ها و سازمان‌های داوطلبانه رسمی یا نهادهای جامعه مدنی آن هم به صورت فعال نهادینه نشده است. این در حالی است که مشارکت اجتماعی نیمی از زنان روستایی (۵۴٪) بالا و خیلی بالا می‌باشد و اولویت این نوع مشارکت اجتماعی مربوط به شرکت در تصمیم‌گیری در امور منزل و فرزندان می‌باشد. بالا بودن میزان تصمیم‌گیری در امور منزل نشان دهنده این است که تقسیم کار مبتنی بر نقش‌های جنسیتی کماکان در خانواده‌های روستایی پابرجاست به طوری که مسئولیت امور داخلی خانه و رسیدگی به امور فرزندان بر عهده زنان است. در مقابل مسئولیت امور خارج از خانه و به طور خاص اقتصادی بر عهده مردان می‌باشد.

با توجه به نتایج تحقیق میزان تحصیلات زن روستایی و سرپرست خانوار با میزان مشارکت اجتماعی زن روستایی رابطه مثبت دارد. این موضوع را می‌توان تا حدودی ناشی از محیط‌های نهادی مانند مدارس و دانشگاه‌ها در تشویق افراد به انجمن‌پذیری و آموزه‌های اخلاقی آنان در جهت تعاون و همیاری دانست.

میزان مشارکت زنان متأهل بیشتر از زنان مجرد است این امر این‌گونه تبیین می‌شود که زنان متأهل به علت حضور فرزندان در مدرسه، عضو انجمن اولیا و مربیانند و از آنجایی که انجمن اولیا و مربیان به عنوان یکی از سازه‌های مشارکت رسمی یاد شده، شرکت در این انجمن باعث افزایش مشارکت رسمی آن‌ها می‌شود.

طبق یافته‌ها بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان استفاده از منابع اطلاعاتی و کانال‌های ارتباطی رابطه مثبت و معنی داری دیده شده است بنابراین یکی از مهم‌ترین راه‌های افزایش ارزش مشارکت اجتماعی زنان انتقال ارزش‌های اجتماعی از طریق دستگاه‌های اجتماعی کننده مانند مدرسه، خانواده و رسانه‌های جمعی است. در پایان با توجه به یافته‌ها پیشنهادها زیر ارائه می‌گردد:

- ضروری است برای ارتقا نقش زنان به سمت ایفای نقش‌های راهبردی امکان فراگیری سواد از طریق برگزاری دوره‌های نهضت سوادآموزی تا حد ممکن فراهم گردد.
- آموزش درباره چگونگی انجام پروژه‌های محلی، تشکیل تعاونی‌ها و انجمن‌های محلی و نظیر آن برای زنان روستایی با





توجه به سطح سواد آنان و با استفاده از کانالها و منابع مورد استفاده آنان به منظور افزایش مشارکت رسمی پیشنهاد می‌شود. تشکیل گروه‌ها و تشکلهای یاریگر یا کمیته‌ها و زیربخش‌های زنان در تشکلهای اجتماعی روستایی می‌تواند گام‌های عملی در جهت تحقق این پیشنهاد باشند.

- تسهیل عضویت زنان در تعاونی‌های تولیدی، شوراهای اسلامی و سایر نهادهای اجتماعی و ارائه برنامه‌های ترویجی در راستای ارتقا روحیه همکاری و تعاون بین زنان نیز توصیه می‌گردد.
- برای افزایش آگاهی زنان و آگاه شدن آنان از حقوق اجتماعی خود از طریق رسانه‌ها و کلاس‌های ترویجی اقدامات لازم صورت پذیرد. انعکاس موفقیت زنان و دستاوردهای زنان نخبه روستایی در نشریات و برنامه‌های رادیو و تلویزیون محلی می‌تواند تسریع و تسهیل کننده افزایش آگاهی زنان روستایی از توانایی‌ها و حقوق خود باشد.
- با توجه به نقش تعیین کننده مردان خانواده در مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف و به تبع آن بر نقشی که ایفا می‌کند پیشنهاد می‌شود در طراحی برنامه‌های توسعه‌ای برای مردان و زنان، مسائل نگرشی در مورد زنان نیز گنجانده شود. در این زمینه برگزاری دوره‌های تحلیل جنسیتی در روستاها برای مردان و زنان روستایی به طور مشترک می‌تواند نقش مهمی در ارتقای نگرش مردان داشته باشد.

## منابع مورد استفاده

۱. آزادی، ح. و کرمی، ع. (۱۳۷۶). زنان روستایی، توسعه و تکنولوژی نوین؛ فراتحلیل، *گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی* ۱۴۰۰: شماره ۳. دومین گردهمایی از سلسله گردهمایی‌های نقش زن در کشاورزی (ص ۵۹-۹۸). فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه.
۲. حمزه لو، ب. و امینی، ا. (۱۳۸۱). بررسی تطبیقی حدود اختیار و قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در شهرستان خمین (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۳. زارع، ب. میرباقری، ا. (۱۳۹۱). مطالعه عوامل فردی اجتماعی موثر بر گرایش به مشارکت زنان روستایی در صندوق اعتبارات خرد. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۲(۴۶)، ۴۹۸-۴۶۱.
۴. سبکتکین‌ریزی، ق. (۱۳۷۲). تبیین رابطه بین میزان تحصیلات زنان روستایی با میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها (پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی)، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. شادی طلب، ژ و کمالی، ف. (۱۳۸۱). مشارکت اجتماعی زنان. *پژوهش زنان*، ۱(۴)، ۲۶-۵۲.
۶. صفری شالی، ر. (۱۳۸۷). عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی. *پژوهش زنان*، ۶(۱)، ۱۵۹-۱۳۷.
۷. عفتی، م. و کپوریان، م. (۱۳۷۶). مشارکت اجتماعی زنان روستاهای مازندران. تهران. انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
۸. غفاری، غ. (۱۳۸۳). تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه تهران. *جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۱)، ۶۷-۹۸.
۹. غلامرضایی، س. (۱۳۷۴). عوامل موثر بر میزان آگاهی زنان روستایی پیرامون مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی در بخش مرکزی شهرستان خرم‌آباد لرستان (پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی). دانشگاه تهران.
۱۰. قانع‌راد، م. و حسینی، ف. (۱۳۸۴). ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی: مطالعه تجربی در بین جوانان تهران. *جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۳)، ۹۷-۱۲۳.
۱۱. کلانتری، ح. (۱۳۷۲). بررسی عوامل موثر در مشارکت روستاییان (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران.
۱۲. مقدس‌جعفری، م. و باقرزاده، ف. (۱۳۸۱). بررسی عوامل موثر بر مشارکت فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های کرمان. *پژوهشگران فرهنگ*، ۱(۱)، ۱۵۸-۲۰۱.



۱۳. موحدی، ر. (۱۳۷۸). مشارکت مردمی چیست؟ ماهنامه صالحین روستا، ۱۶۲
۱۴. موحد، ح، لشگرآرا، ف. و کرکه آبادی، ن. (۱۳۸۵). تحلیل جنسیتی و زنان روستایی. ماهنامه جهاد، ۲۶ (۳۷۳).
۱۵. وثوقی، م. یوسفی آقابین، ا. (۱۳۸۴). پژوهشی جامعه شناختی در زمینه مشارکت اجتماعی زنان روستایی روستای آگکند شهرستان میانه. نامه علوم/اجتماعی. ۲۵، ۲۲۴-۱۹۵.
16. Berton, R. (1997, November). *Social Participation and Social Capital*. Paper presented at the Second National Metropolis Conference, Montreal, Quebec, Canada.
17. Helly, D. (1997, November). *Voluntary and Social Participation by people of Immigrant*. Paper presented at the Second National Metropolis Conference, Montreal, Quebec, Canada.
18. Idrisa, Y.L., Sulumbe, I.M., & Mohammed, S.T. (2007). socio-economic factors affecting the participation of women in agricultural cooperatives in Gwoza local government, Borno state, *Nigeria agro-science*, 6 (2), 72-78.
19. Kaur, S., & Punia, R.K. (1988). Work participation of women in rural households: an empirical study in: Guru Nanak. *Journal of Sociology*, 9(2), 51-77.
20. Midgley, J., Hall, A., Hardiman, M., & Narine, D. (1989). *Community Participation, Social Development, and the State*. London, UK: Methuen.
21. Rahman, S.A. (2008). Women's involvement in agriculture in northern and southern Kaduna State, Nigeria. *Journal of Gender Studies*, 17(1), 17-26.
22. Shames-EL-Din, M.S., Yutaka, T., Kim, J., Wang, Z.G., & Kai, S. (2000). The role of women in promoting small industries as an example of socio-economic activities: An overview on the Japanese experience. *Journal of the Faculty of Agriculture Kyushu University*, 45(1), 335-347



## Factors Influencing Social Participation of Rural Women in Asara, Alborz Province

Mahdieh Sadat Mirtorabi<sup>\*1</sup>, YousefHedjazi<sup>2</sup>, SeyedMahmood Hosseini<sup>3</sup>

<sup>1</sup> PhD. student in agricultural extension, department of agricultural extension and education, university of Tehran, Iran , <sup>2,3</sup>Professors of department of agricultural extension and education, university of Tehran, Iran

### Abstract

The purpose of this study is to analyze factors influencing social participation of rural women in Asara, Alborz province. The descriptive-correlation method was used for this study .The statistical population includes all rural women who inhabit in Asara and older than 15 years old (N= 2810). A sample of 120 rural women was selected by using of proportional random sampling method. The content validity of the questionnaire was assessed by a panel of experts.Cronbach's alpha was used to measure reliability of social participation of rural women that which was 0/86. Rural women's social participation was assessed in formal and informal dimension and the findings shown that social participation of 57% of rural women were in intermediate and low level .the findings revealed that age, level of rural women literacy, level of father/husband literacy, agricultural experience, level of using information resources and communication channels and participation in agriculture have been positively and significantly correlated with level of rural women's social participation and the result of multiple regression shown that variables of level of women literacy, level of father/husband literacy and level of using information resources and communication channels could explain 42% of the variation in the level of rural women's social participation .

**Key Words:** Alborz Province, Rural Women, Social Participation,